



دکتر ناصر نکمه‌ر همدانی
استاد و عضو هیات علمی پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به یاد ۲۹ اسفند

روز تاریخی و شکوهمند ملی شدن نفت

□ درآمد

یکصد و چهار سال پیش (۱۲۸۰ ش / ۱۹۰۱ م) در زمانی که هنوز اروپاییان نیز به اهمیت نفت آگاهی کامل نداشتند، مظفرالدین شاه قاجار امتیاز تفحص، استخراج، حمل و نقل، فروش نفت و مواد مشتقه از آن را در سراسر ایران به استثنای پنج ایالت شمالی کشور که در مجاورت با روسیه‌ی تزاری بود، به مدت شصت سال به شخصی به نام ویلیام دارسی William Darcy تبعه‌ی انگلستان داد.

در سال ۱۲۸۷ خورشیدی نخستین چاه نفت در مسجد سلیمان فوران کرد و سال بعد شرکت نفت ایران و انگلیس با سرمایه دو میلیون لیره تأسیس شد.

از سال ۱۲۹۲ خورشیدی صدور نفت آغاز گردید و در سال بعد دولت انگلیس که به اهمیت این ماده‌ی سوختنی و حیات بخش تکنولوژی پی برده بود، با خرید ۵۶ درصد سهام شرکت خود را مالک الرقاب امتیازنامه‌ی پیش گفته کرد و از آن زمان به بعد دولت استیلگر بریتانیا چندین بار در تضحی حقوق ایران برپایه‌ی قراردادی که پذیرفته بود، واکنش‌هایی از خود نشان می‌داد که موجب نگرانی شدید آگاهان جامعه و اعتراض دولت ایران قرار می‌گرفت. کارشناسان و نمایندگان دولت استعماری هر بار به گونه‌ی، تغییر شیوه می‌دادند. الول ساتن Elwell Sutton انگلیسی در این مورد نوشته است: «شرکت نفت انگلیس و ایران تجسم و خلاصه‌ی از دخالت بیگانگان بود. این موسسه یکی از بزرگ‌ترین منابع ثروت ایران را در اختیار داشت و از آن بهره‌برداری می‌کرد و در ازای میلیون‌ها [لیره‌ی] که از کشور می‌برد، مبلغ ناچیزی به دولت می‌داد؛ با چنان استقلالی رفتار می‌کرد که دولت ایران از هیچ رییس ایل و قبیله‌ی هر قدر هم مقتدر بود، تحمل نمی‌نمود. در طرز رفتار با ایرانیان از عالی و دانی چنان نخوتی نشان می‌داد که برای نژادی که بیش از هر وقت به عظمت گذشته خود فخر می‌کرد و به آینده درخشان خود اعتماد داشت، قابل تحمل نبود»^۱.

قراردادهای نفتی انگلستان با ایران از سال ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ م) شکل دیگری پیدا کرد و قرارداد دارسی که زمانی ۶۰ ساله داشت، لغو شد و قرارداد ظالمانه‌تری که تا سال ۱۹۹۳ میلادی تمدید می‌شده انعقاد یافت.^۲ مردم به دلیل اختناق و دیکتاتوری حاکم بر ایران دوره‌ی رضاشاهی، جرات مخالفت با آن را نیافتند.

سال‌ها بعد، سیدحسن تقی‌زاده که به‌عنوان وزیر دارایی آن قرارداد را امضا کرده بود در مجلس پانزدهم، بیان داشت:

«من شخصاً راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بود، تقصیر آلت فعل نبوده، بلکه تقصیر فاعل بوده است که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد»^۳.

۱- آگاهی‌های جدید پس از جنگ دوم جهانی

رویدادهای جنگی جهان، اهمیت نفت و فراورده‌های نفتی را بیش از گذشته آشکار کرده. ساکنان مناطق نفت‌خیز از آن میان ایرانیان، به این امر وقوف یافتند و به غارتگری‌های دولت انگلستان و گران‌بها بودن، ثروت خدادادی نفت آگاه‌تر شدند. پس از رفتن رضاشاه از ایران و با پدیدآمدن شرایط نسبی آزادی مطبوعات و اجتماعات، مسائل نفتی در سطح ملی و جهانی، تبیین گردید و مسبب حرکت‌هایی شد که نهضت ملی ایران تبلور دهنده‌ی آن بود. هم‌زمان، قدرت‌های استعماری نیز با ایجاد شرایط جدید در برقراری سلطه خود تلاش‌هایی ظاهر ساختند.

بسیاری از شرکت‌های جهانی نفت انگلیسی و امریکایی با دولت ایران باب گفت‌وگو را گشودند و برای به دست آوردن امتیازاتی در نواحی جدید، به کوشش‌هایی دست زدند.

دولت شوروی نیز کمیسیون تحت ریاست کافتارادزه «معاون کمیساریای خارجه و فرستاده‌ی رسمی» در شهریورماه ۱۳۲۳ خورشیدی به ایران اعزام داشت. این کمیسیون ماموریت داشت تا در نواحی شمال ایران امتیازاتی به‌دست آورد. اما پیش‌تر، با کوشش دکتر محمد مصدق و نمایندگی طرفدار استقلال، دادن هر نوع امتیاز به دولت‌های خارجی ناممکن شده بود. به همین دلیل، نماینده‌ی روسیه‌ی شوروی به‌رغم ماجراآفرینی حزب توده به نفع روسیه، نتوانست کاری از پیش ببرد و در هفتم آبان ماه ۱۳۲۳ خورشیدی، دکتر مصدق در نطق‌های مستدل خود در مجلس چهاردهم، اصولی را مطرح کرد که دولت‌های سال‌های پس از جنگ به سختی می‌توانستند از آن عدول کنند، از آن میان «اصل موازنه منفی»: «آن‌هایی که طالب ترقی و تعالی میهن‌اند با هر سیاستی که در مصالح وطن نیست، مبارزه می‌کنند... من با دادن هر امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم... ملت ایران آرزومند توازن سیاسی‌سته‌یعنی توازنی که در نفع این مملکت باشد و آن «توازن منفی» است. ملت ایران هیچ وقت با توازن مثبت موافقت نمی‌کند»^۴ و در جای دیگر روشن‌تر بیان داشت:

«هرگاه تعقیب از «سیاست مثبت» کنیم، باید امتیاز نفت شمال را هم برای ۹۲ سال بدهیم و به این طریق موازنه‌ی سیاسی برقرار کنیم. گذشته از این که ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل این است که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر او را هم قطع کنند. در صورتی که هر مقطوع الیدی برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب دست مصنوعی است و آن مقطوع الیدی که بخواهد مقطوع الیدین شود، خوب است خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از این که ید ثانی او قطع شود، انتحار کند.»^۵

در نتیجه دکتر مصدق توانست با اتکای بر افکار عمومی جامعه طرحی را به قید دو فوریت به مجلس شورای ملی در یازدهم آذرماه ۱۳۳۳ خورشیدی عرضه دارد و به شرح زیر آن را به تصویب برساند: ماده‌ی اول: هیچ نخست‌وزیر، وزیر و اشخاص که کفالت از مقام آن‌ها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر این‌ها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکنند و یا این که قراردادی امضا نمایند.

ماده‌ی دوم: نخست‌وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده‌ی سوم: متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. ماده‌ی چهارم: تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آن‌ها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد.

دادستان مزبور وظیفه‌دار است که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون وزرا مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

۲- تهیه لایحه‌ی الحاقی در تحکیم قرارداد ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ م)

به همان سان که در ایران گفت و گوهای درباره‌ی نفت و «استیفای حقوق ملت ایران» شنیده می‌شد، کانون‌های استعماری جهان و قدرت‌های نفتی از آن میان «شرکت نفت ایران و انگلیس» نیز برای برقراری سلطه‌ی خود بر پالایشگاه آبادان و چاه‌های نفتی و از آن طریق بر سیاست اقتصادی، فرهنگی و حکومتی ایران، تلاش‌هایی را آغاز کردند.

نخستین آمدن آقای گس N.A.GASS به تهران و مذاکره با دولت ایران از هشتم تا بیست و یکم مهر ماه ۱۳۲۷ خورشیدی است. در این گفت و گوها، آقای گس با نظریات دولت ایران (با نخست‌وزیری هزیر) آگاه شد و به لندن بازگشت تا پس از رایزنی با «هیات مدیره شرکت» دوباره برای مذاکره با دولت ایران به تهران بازگردد.

پس از بازگشته مذاکرات با وزیر دارایی ایران (= گلشایبان، در دوره‌ی نخست‌وزیری ساعد) و تنی چند از کارشناسان از بهمن‌ماه ۱۳۲۷ تا تیر ماه ۱۳۲۸ خورشیدی انجام داد. کارشناسان ایران بر روی هم هیچ‌یکه ایراد بر قرارداد سابق و عملکرد شرکت داشتند. در نتیجه قرارداد دیگری که به نام «قرارداد الحاقی» شهرت یافته، تنظیم گردید

که ضمیمه‌ی بر قرارداد ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ م) بود. این قرارداد جهت تصویب به مجلس شورای ملی (دوره‌ی پانزدهم) تقدیم شد و نمایندگان پس از آگاهی از متن قرارداد (گس - گلشایبان) و توضیحات وزیر دارایی، به گفت و گوها پرداختند. نطق‌ها و اعتراض‌های مخالفان به اندازه‌ی طولانی شد که عمر مجلس پانزدهم پایان یافت و قرارداد به تصویب نرسید.

مجلس شانزدهم در بیستم بهمن‌ماه ۱۳۲۸ افتتاح شد و جای دولت ساعد را نیز دولت علی منصور گرفته بود.

نخست‌وزیر پیش از طرح قرارداد در مجلس در بیست و سوم خردادماه ۱۳۲۹ پیشنهاد کرد که «لایحه قرارداد الحاقی» به کمیسیون مخصوص که به مرور «کمیسیون نفت» نام گرفت، جهت بررسی ارجاع شود. در پنجم تیر ماه او که به دلایلی در مورد لایحه‌ی پیش و کم‌بی‌طرفی نشان می‌داد، استعفا کرد و سپهبد رزم‌آرا که با قرارداد موافقت‌هایی نشان داده بود، با توافق عملی انگلیس و امریکا به نخست‌وزیری منصوب شد.

۳- رویارویی «مجلس» با «قوه‌ی مجریه»

کمیسیون منتخب مجلس که موضوع «نفت» در آن بررسی می‌شد، هیجده عضو داشت که پنج تن آنان از شخصیت‌های برجسته‌ی جبهه‌ی ملی ایران بودند و با آن که در اقلیت قرار داشتند، اما نفوذ علمی و سیاسی آنان بیش از دیگران بود. ریاست این کمیسیون بر عهده‌ی دکتر مصدق بود که نسبت به مسائل حقوقی نفت و سیاست‌های استعماری انگلستان آگاهی بسیار داشت و به دلیل اعتقاد به «اصل استقلال ملی» و توان مبارزاتی در تحقق آن، که در دوره‌ی چهاردهم نشان داده بود و پیش‌تر نیز از اعتبار مردمی برخوردار بود. می‌توانست با درایت تام نه تنها «کمیسیون ویژه‌ی نفت» را متقاعد کند، بلکه مجلس را به‌عنوان پایگاه حق طلبی و مقاومت ملی رویارویی دولت‌های وابسته به استعمار و سلطه‌ی امپریالیستی قرار دهد. ناگفته نماند که در دوره‌ی پانزدهم نیز توسط نمایندگان مرتبط با دکتر مصدق ماده‌ی واحده‌ی به تصویب مجلس رسیده بود که در بند پنجم آن آمده است:

«دولت مکلف است در کلیه‌ی مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منافع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن، مورد تضییع واقع شده است به خصوص راجع به نفت جنوب، به منظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازم را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه‌ی آن مطلع سازد.»^۷

بر پایه‌ی این ماده‌ی واحد، هر چند لایحه الحاقی توسط دولت رزم‌آرا به مجلس تقدیم نشده بود، اما بنا بر رسوم پارلمانی، دولت می‌بایست موافق یا مخالف اظهارنظر کند و چون رزم‌آرا در این امر تامل می‌کرد، کار به استیضاح کشیده شد و چهار نماینده‌ی جبهه‌ی ملی هر یک در زمینه‌های به شرح زیر مطالب خود را بیان کردند:

- الهیار صالح، بخش اجتماعی - فرهنگی.

- حائری‌زاده، بخش سیاسی - اقتصادی.

- مکی، بخش فنی - گمرکی.

- دکتر مصدق، بخش حقوقی - قانونی.

نطق‌های استیضاح‌کنندگان، به خوبی آگاهی آنان را به چه‌گونه‌ی عملیات زیان‌بار «شرکت نفت ایران و انگلیس» نشان داده است و نیز

هماهنگی اعضای کمیسیون را در مبارزات ملی و هماهنگ آشنکار ساخته است.

دکتر مصدق به عنوان «رییس کمیسیون نفت» مساله‌ی قرارداد نفت را به‌طور ریشه‌داری مورد انتقاد قرار داده و چنین بیان کرده است:

«قرارداد امتیاز شرکت نفت باطل است زیرا طرفین هر قرارداد باید اولی صلاحیت انعقاد آن را داشته و بعد هم آزاد باشند و در امتیاز تصویب آن تجاری نداشته باشند و حال آن که تنظیم و تصویب امتیاز نفت در دوره‌ی دیکتاتوری صورت گرفته که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آن دوره نمایندگان حقیقی ملت نبودند و وزیر هم برای انجام وظایف خود آزادی عمل نداشتند. حالا هم که قرارداد الحاقی تنظیم شده عرض اصلی تنفیذ قرارداد باطل دوره‌ی دیکتاتوری است که در نتیجه‌ی آن ملت ایران تا ۳۳ سال دیگر تحت مقررات ظالمانه‌ی آن قرارداد قرار گیرد و از منافع هنگفت معادن زیرزمینی چندی محروم شود».

آن‌گاه دکتر مصدق خطاب به سیهید رزم‌آرا، نخست‌وزیر نظامی

طرفدار قرارداد، می‌گوید:
«اگر شما با قرارداد ساعد - گس موافق کنید یک ننگی برای خودتان باقی گذاشته‌اید که هیچ وقت نمی‌توانید آن را از بین ببرید».^۸

البته مجلس به استیضاح نمایندگان «رای ساکت» داد و از این طریق دولت را کمک کرد تا شاید بتواند در استیفای حقوق ایران، تلاش نماید. ناگفته نماند که «شرکت نفت ایران و انگلیس» نیز دولت ایران را در دفاع عملی از قرارداد الحاقی تحت فشارهای سیاسی قرار می‌داد.

کمیسیون نفت در تاریخ چهارم آذرماه به اتفاق آراء

«قرارداد الحاقی» را برای استیفای حقوق ایران کافی ندانست و با آن که نمایندگان جبهه‌ی ملی کوشیدند تا اصل «ملی شدن» را در متن گزارش کمیسیون بگنجانند، اما دیگر اعضای کمیسیون موافقت نداشتند و دولت رزم‌آرا،

قرارداد الحاقی را به دلیل نامناسب بودن شرایط، مسترد کرد و به منظور استیفای حقوق ایران اقدامات دیگری را متعهد گردید.^۹

۴- طرح ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور

پس از ارائه‌ی نظر کمیسیون نفت درباره‌ی قرارداد الحاقی، دکتر مصدق در جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی، طی نطقی خطاب به نمایندگان مجلس بیان کرد:

«اگر خود را نماینده‌ی ملت می‌دانید راهی برای شما جز استیفای

کامل حقوق ملت ایران از راه ملی کردن صنعت نفت در تمام ایران، وجود ندارد. در صورتی که در انجام این وظیفه‌ی ملی و وجدانی تعلل و تردید به خرج دهید، دیگر هیچ اسمی بر آن نمی‌توان گذارد. یقین است که هیچ‌یک از افراد ملت گرسنه و فقیر ایران، این گناه را بر ما و اعقابمان نخواهند بخشید، دیر یا زود انتقام این تعلل و مسامحه و عدم انجام وظیفه‌ی نمایندگی را از ما و اولاد و اعقابمان خواهد کشید».^{۱۰} ناگفته نماند که نمایندگان جبهه‌ی ملی همواره «استیفای حقوق ملت ایران» را در ملی شدن صنعت نفت می‌دانستند، درباره‌ی این امر تاریخی بعدها رهبر نهضت ملی شدن نفت آورده است:

«اگر ملی شدن صنعت نفت در ایران خدمت بزرگی ست باید از اولین کسی که این پیشنهاد را نمود، سیاست‌گزاری کرد و آن شهید راه وطن دکتر سیدحسین فاطمی ست».^{۱۱}

رزم‌آرا، پس از بازگرفتن قرارداد الحاقی، باخبر شد که:

«در تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۲۹ دولت عربستان سعودی قرارداد

پنجاه‌پنجاه‌یا تصنیف عواید را با شرکت امریکایی صاحب امتیاز خود

آرامکو امضا نمود... دیگر

واضح بود که هیچ گونه شرایطی

که نتیجه‌ی آن برای ایران

کم‌تر از پنجاه درصد عواید

شرکت صاحب‌امتیاز باشد، قابل

قبول نخواهد بود؛ با این حال

شرکت نفت انگلیسی و ایران

هیچ گفت‌وگویی درباره‌ی

انعقاد چنین تریبی در ایران

به میان نمی‌آورد و کماکان

اصرار می‌کرد که دولت

محسنتات قرارداد الحاقی را به

اطلاع عموم برساند».^{۱۲}

اما زمان دگرگونه شده بود

و نه تنها قرارداد الحاقی به‌طور

کامل بی‌ارزش شده بود، بلکه

مساله‌ی «تصنیف عواید» هم

جایگاهی نداشت و مساله‌ی

ملی شدن نفت به عنوان

«خواست ملی» در درون جامعه منزلت تاریخی، فرهنگی

و دینی پیدا کرده بود و در ششم بهمن ماه در اجتماع

بزرگی که مردم در مسجد شاه به دعوت آیت‌الله کاشانی

گردآمده بودند، در پی سخنرانی‌ها و صدور قطعنامه‌ها،

به‌رغم خواست قدرت‌های امپریالیستی (انگلیس و

امریکا) و دست‌نشانندگان آن‌ها، و دسیسه گروه‌های طرفدار قدرت

شوروی فقط به «لغو قرارداد ایران و انگلیس» بسنده کرده بودند، مردم

شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور را در همه‌گردد هم‌آبی‌ها

فریاد می‌کردند.



آدمی که در صنعت نفت ملت ایران را با دست‌های گرسنه و تشنه‌ی او در این بیابان تاریک فرو برد، او را در این بیابان تاریک فرو برد. او را در این بیابان تاریک فرو برد. او را در این بیابان تاریک فرو برد. او را در این بیابان تاریک فرو برد.

متن دستخط دکتر مصدق درباره‌ی فاطمی

منصوب گردید. در ۱۳ اسفند ماه سفارت انگلیس نامه‌ی اعتراض آمیز به شرح زیر برای دولت ایران ارسال کرد:

«دولت پادشاهی انگلستان نمی‌تواند نسبت به امور شرکت نفت انگلیس و ایران که یک موسسه‌ی مهم انگلیسی و حتا بین‌المللی است بی‌علاقه بماند و بنابراین با نگرانی اطلاع حاصل کرده که کمیسیون نفت مجلس در نظر گرفته است این موسسه را قبل از پایان مدت امتیاز ملی کند. در باب ملی کردن ملاحظاتی باید رعایت شود که دولت پادشاهی انگلستان توجه فوری دولت شاهنشاهی ایران را بدان جلب می‌کند. در وهله‌ی اول باید تفاوتی بین اصل ملی کردن و سلب مالکیت خصوصی از شرکتی که بر اساس تضمین پیمانی که با مذاکرات آزاد منعقد گردیده و تا سال ۱۹۹۳ معتبر است و به اطمینان این تضمین با کمال حسن نیت مبالغی در پیشرفت این صنعت خرج کرده، قائل شد. طبق قراردادی که شرکت نفت انگلیس و ایران در دست دارد، با تصمیم ملی کردن نفت نمی‌توان به عملیات شرکت خاتمه داد... شرکت خود را حاضر کرده است در باب قرارداد جدیدی براساس تقسیم متساوی منافع داخل مذاکره گردد. ولی شرکت نمی‌تواند چنین پیشنهادی را به فکر خود راه دهد تا مطمئن نگردد که قراردادی که در دست دارد تا انقضای مدت در اعتبار خود باقی خواهد بود.»^{۱۳}

«استفاده از نیروی نظامی را برای ممانعت ایران از تصرف تاسیسات نفت آبادان یا مقابله با اغتشاشات محل مورد بررسی قرار دهند.»^{۱۶}

اکنون یکصد سال از انتقاد قرارداد شوم ویلیام دارسی می‌گذرد و نیز پنجاه و چهار سال از ملی شدن صنعت نفت است. اصل مقدسی که فزون بر منافع اقتصادی برای ایران، زیر ساخت استقلال کشور به شمار می‌رود. تحقق این امر تاریخی، بی‌تردید در پیوند با مبارزات ملت ایران و رهبری شایسته‌ی آن بوده است که در پناه مجلس و گفت‌وگوهای آزاد و برخوردار از شیوه‌های انسانی نظام مردم‌سالاری، شکل می‌گرفت و آموزش‌های برخاسته از آن می‌تواند برای مردم ایران، رهنمودی درخشان باشد که اصل استقلال در ابعاد چندگانه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی همواره با اصل آزادی رابطه‌ی ناگسستنی و پایدار دارد و مردم به گونه‌ی پایگاه پرتوان پیروزی‌ها، باید در تفکرات آرمانی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حرکت‌های مبارزاتی حضوری بر دوام و کارساز داشته باشند و به تحقیق «مجلس شورای» برگزیده مردم و پدید آمده از این خصلت‌های یاد شده، «ملی» خواهد بود و در تاریخ حکومتی و سیاسی هر جامعه، سربلند و مفتخر به شمار خواهد رفت.

سالروز این پیروزی ملی بر همه‌ی ایرانیان مبارک باد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- از کتاب Persian Oil به نقل فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران، فرانکلین ۱۳۵۲)، ص ۶۳.
- ۲- برای آگاهی از ایرادات دولت ایران بر این قرارداد همان، ص ۷۳-۸۳.
- ۳- نطق‌های مصدق، اروپا، انتشارات مصدق، شماره ۴، ص ۱۲۵.
- ۴- کی استوان، حسین، سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم، تهران، روزنامه‌ی مظفر، ۱۳۳۷، ص ۱۸۱ و ۱۹۳.
- ۵- همان، ص ۱۹۳.
- ۶- همان، ص ۱۹۹.
- ۷- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۷۱-۷۰.
- ۸- همان، ص ۸۷.
- ۹- متن نامه کمیسیون نفت به مجلس شورای ملی به شرح زیر است: «کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۱۳۳۹/۲۳۰ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست، لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد».

سخن پایانی

مجلس شورای ملی ایران در دوره‌ی شانزدهم خاصه کمیسیون نفت به ریاست دکتر مصدق، گام‌به‌گام خواست مردم ایران را در امر «ملی شدن صنعت نفت» تبلور می‌بخشیدند. سرانجام، اصل ملی شدن این نعمت خدایی را به شرح زیر در هفدهم اسفندماه به تصویب رساندند:

«همه‌ی مصادرات ملت ایران و به‌منظور کمک به تأمین منافع جهانی ملت کنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمایم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود، یعنی تمام عملیات کنشانه استخراج و بهره‌برداری در دولت قرار گیرد»^{۱۴}

این قانون در ۲۹ اسفندماه توسط مجلس سنا نیز تصویب شد و به توشیح شاه رسید و آن روز، روز خجسته‌ی ملی شدن صنعت نفت گردید.

هم‌زمان رادیو بی‌بی‌سی در تفسیری اعلام کرد:

«امروز پارلمان ایران، پیشنهاد ملی شدن نفت در سراسر کشور را تصویب کرد، این پیشنهاد از طرف عده‌ی معدودی از مرتجعین و ثروتمندان و هم‌چنین یک عده‌ی ملاحای متمصب که در رأس آنان سیدابوالقاسم کاشانی قرار گرفته است، پشتیبانی می‌شود. چند نفر منفی‌باف که عده‌ی از جوانان ساده‌لوح از آنان پیروی می‌کردند. فریاد می‌زدند: «نفت ایران برای ایرانی» ولی هیچ‌کس نگفت چه طور ممکن است که ایران نفت خود را اداره کند. فقط کسانی از قبیل رزم‌آرا می‌دانستند، اداره کردن نفت به دست ایرانی عملی نیست؛ و با پیشنهاد ملی کردن مخالف بودند»^{۱۵}.

اما همان روز سر ویلیام استرانگ Sir William Strang معاون دائمی وزارت خارجه بریتانیای کبیر با مقامات بلند پایه وزارت دفاع آن کشور تشکیل جلسه داد و در پی درخواستی به روسای ستاد ارتش انگلستان اعلام گردید:

۱۰- نطق‌های دکتر مصدق در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی (اروپا، انتشارات مصدق).

۱۱- مرحوم دکتر فاطمی در جلسه‌ی جبهه‌ی ملی ایران در منزل مرحوم سید محمود نریمان تشکیل شده بود، پیشنهاد ملی شدن nationalisation نفت را ارائه کرد. جازاده، علی، مصدق، تهران، همگام ۱۳۵۸، ص ۱۲۴.

۱۲- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۸۹-۹۰.

۱۳- [اسناد نفت] نشریه‌ی اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات، تهران، ۱۳۳۰، ص ۳۷-۳۶ به نقل از عبدالرضا هوشنگ مهدوی، روزهای افتخار، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۵، ص ۵۸-۵۷.

۱۴- این پیشنهاد توسط فراکسیون وطن (جبهه‌ی ملی) پیش‌تر در ۸ آذر ماه به امضای حاج‌تر زاده، صالح، مکی، دکتر شایگان و دکتر مصدق ارائه شده بود که به تصویب نرسید، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۱۰۹.

۱۵- روزهای افتخار، ص ۵۸-۵۹.

۱۶- همان، ص ۵۹، (به نقل از پرونده‌های ۳۷۱/۹۱۵۲۵ - ۳۷۱/۹۱۵۲۴)، وزارت امور خارجه.